



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۲/۱۸

نگارگر

چه دلاور است دُزدی که به کف چراغ دارد.

اگر نه همه بدون شک برخی از خوانندگان من به یاد دارند که من چندی پیش در فیس بُک خویش یادداشتی زیر عنوان (یک دادخواهی ساده و بدیهی) نوشته و در آن دادخواهی کرده بودم. دادخواهی به معنای تظلم است یعنی از ظلم یک شخص یا یک مقام قدرت برای دادگاهی یا محکمه ای نالیدن است و این حق آن مقام است که این دادخواهی را بپذیرد و از طرف ادعا بازخواست کند و یا به دادخواهی کننده بگوید که دادخواهی اش موردی ندارد و اما کسی از طرف ادعا یا مدافع طرف ادعا حق ندارد آن دادخواهی را رد و از ظلمهای کرده شده دفاع و یا آن را با نقل قول های متعدد از این و آن توجیه بکند. به هر صورت آن دادخواهی را که من به تاریخ هفتم دسمبر نوشته بودم مورد تأیید چهل و چار خواننده من قرار گرفته و از آن میان محترم دوکتور صاحب سید عبدالله کاظم بر آن چنین تبصره فرموده بود «نگارگر صاحب گرامی! این نوشته شما آرزومندی مردم افغانستان است ...»

و همچنان خواننده دیگر جناب محترم همایون شاه آصفی نوشته اند: «درود به استاد معزز ارزیابی دقیق انجام داده اید؛ اسناد و حقایق را به وضوح شرح داده اید؛ متون فوق همه مدلل بوده و متکی بر استدلال منطقی است»....

و اما من چرا آن دادخواهی ساده را نوشته بودم؟ به دلیل اینکه دولت تشکیل شده بعد از کودتای هفتم ثور دو نکته اصلی این دادخواهی را باید به طور جدی مورد بازخواست قرار میداد:

نُخست تخلفهای سنگین و ننگین سردمداران حزب دموکراتیک خلق و به محاکمه کشاندن مسؤولان آن.

دوم: تجاوز روسها بر افغانستان؛ ده سال جنگ تجاوزی؛ خساره های وارده بر دولت و مردم و تأسیسات اقتصادی و تقاضای جبران خساره و تاوان جنگ از متجاوزان.

بدبختانه رشوت خواران قهاری که بر افغانستان حاکم شدند رشوه ها گرفتند و زمینه های فرار متخلفان را از صحنه جنایت های شان یعنی افغانستان فراهم نموده دست سلف خود را در تجاوز از حقوق افراد بستند و فراریان در محیط مصون کشورهای غربی به آسودگی رسیدند و چون دولتی که آمده بود خود نیز مسؤول ویرانی ها و گشتار بود اینان نیز همانند بلبل به چهچه و تظہیر خود و رهبران خود پرداختند و به همین ترتیب طالبان و دولتی که پس از تجاوز امریکا به وجود آمد خود بدون حضور در کدام محکمه برای خود سند برائت امضاء نمودند. دادخواهی ساده و بدیهی من برای یک دولت قانونمند و نماینده مردم است زیرا هر جنگ یک تعداد جنایتکاران جنگی و قابل محاکمه میداشته باشد و جنگ افغانستان نمیتواند از این قاعده عمومی مستثنی باشد.

اینک جناب دوکتور محمد اکبر یوسفی به تاریخ هفدهم دسمبر همین سال بر آن دادخواهی مکثی نموده اند و من وقتی مکث شان را خواندم نُخست مصراع معروف حافظ یعنی: «چه دلاور است دُزدی که

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

به کف چراغ دارد» و دوم هم شعر مرحوم سید شمس الدین مجروح که از زبان دختری معروض به لت و کوب پدر گفته بود:

زرگيه خنګه وګرم څوک مې تاته نپريږدي + دادا مې هم وھي هم مې ژړا ته نپريږدي

من بارها گفته ام و باز میگویم که کودتا نوعی دزدی قدرت است و در آنجا که دموکراسی و احزاب سیاسی و انتخابات به نضج و پختگی رسیده است این دزدی قدرت در نظام شان راهی ندارد ولی در کشورهای عقب افتاده این دزدی به عنوان یک شیوه انتقال قدرت پذیرفته شده و حرف حساب جناب محمد اکبر یوسفی که از افلاطون گرفته تا بیسمارک و کارل پاپرنفل قول هافراوان کرده است همین است که کودتا را به عنوان شکلی از انتقال قدرت بپذیرد و بدین ترتیب بر کودتای ثور نیز صادق بگذارد که من هم در این مورد با ایشان اختلاف ندارم و هرگز هم نگفته ام چرا اینان کودتا کردند بلکه گفته ام و باز هم میگویم که سردمداران این حزب پرچمداران تمام مصیبت‌های وارده بر افغانستان بوده اند و من در حالیکه ترازوی انصاف را خدمت خود یوسفی صاحب پیشکش میکنم فقط دو موضوع از این جنایت‌ها را مطرح میکنم و از ایشان می‌پرسم:

۱) دوازده هزار نفر بدون محاکمه و دفاع در زندانها کُشتن و لست را مغرورانه بر دیوار وزارت داخله آویختن از نظر جناب عالی قابل دادخواهی و محاکمه است یا نه؟

۲) برای ابقاء و نگاهداری قدرت از اردوی خارجی دعوت کردن و کشور را ده سال تمام درگیر جنگ داخلی کردن قابل دادخواهی و محاکمه است یا نه؟

جناب یوسفی می‌فرمایند که بر «کودتای خونین» ثور ۱۹۷۸ م که «مهرچپ» بر آن کوبیده شد «ولی نمی‌فرمایند که این «مهرچپ» را اعمال خودشان و صدها سند حزبی خودشان کوفته است ولی بدبختانه حالا که نشئه آن استبداد کهن از سرشان پریده است میخواهند سرشترخم خم برونند این حرف دیگر است.

از دیدگاه من به همان دلیل که حکومت‌های بعد از فاجعه هفتم ثور مسئولیت دارند و قابل محاکمه هستند فاجعه آفرینان ثور نیز قابل محاکمه هستند و من دادخواهی خود را باز نمی‌گیرم.

حرف آخر من نیز اینکه جناب محمد اکبر یوسفی بدون اینکه من برای خود لقب «صوفی» را برگزیده باشم چندین بار مرا صوفی خطاب کرده غیر مستقیم به من فرموده اند بحث بر موضوعات سیاسی درجه دوکتورا به کار دارد و توصوفی ساده لوح را با بحثهای سیاسی چه کار ولی هیچ قانون حق دادخواهی را از مظلوم سلب نکرده است. قضاوت کار قاضیان است که من با آن کاری ندارم ولی دادخواهی حق ستم رسیده است و اگر آریانا افغانستان آنلاین میتواند محاکمه سردمداران حزب دموکراتیک خلق را به یک رفرا ندیم انترنتی بگذارد تا دریابید

که چند نفر دیگر در این «دادخواهی ساده و بدیهی» با من هم آواز هستند.

با عرض حرمت نگارگر ۱۸ دسمبر ۲۰۲۰ بر منگم